روزنامه صبح ایران
امتیاز
فرهنگ و هنر ۷
دوشنبه ۲۱ شهریور ۱۴۰۱ ■ شماره ۳۵۱۷

همکاری‌های ایران و روسیه در زمینه نسخ خطی توسعه پیدا می‌کند

یاسر احمدوند در سفر به سن‌پطرزبورگ، با رئیس انستیتو نسخ خطی آکادمی علوم روسیه و چند تن از ایران‌شناسان و اسلام‌شناسان برجسته روسیه دیدار و از گنجینه نسخ خطی این مجموعه بازدید کرد.در ابتدای این دیدار، معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به اهمیت حفظ و نگهداری نسخ خطی به‌عنوان گنجینه بشری، گفت: در این زمینه تجربیات ارزشمندی به‌ویژه برای ترمیم نسخ خطی و نسخه‌شناسی در ایران وجود دارد که با توجه به ظرفیت‌های در اختیار روسیه به‌ویژه در این مجموعه می‌تواند برای همکاری‌های مشترک مورد استفاده و بهره‌برداری قرار گیرد و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این زمینه حمایت های لازم را خواهد داشت.وی همچنین پس از دریافت گزارش ایرینا پاپووا؛ رئیس انستیتو نسخ خطی آکادمی علوم روسیه، برای همکاری در زمینه کارشناسی نسخه‌شناسی و مرمت نیز اعلام آمادگی کرد.در بخش دیگری از این دیدار، دو تن از شخصیت‌های برجسته ایران‌شناس و اسلام‌شناس روسی به ارائه گزارش فعالیت‌ها، اقدامات پژوهشی و علمی و همچنین نقطه‌نظرات خود پرداختند. معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی که به منظور افتتاح غرفه ایران و رونمایی از ترجمه روسی تقریظ مقام معظم رهبری بر کتاب «مهاجر سرزمین آفتاب» در نمایشگاه بین‌المللی کتاب روسیه به این کشور سفر کرده بود، در این سفر با تعدادی از مدیران و شخصیت‌های فرهنگی روسیه دیدار و از چند مرکز فرهنگی بازدید کرد.

بازنمایی رسانه‌های غربی از دلیل مهاجرت نخبگان ایرانی غیرواقعی است

نشست بررسی عوامل رانشی و کششی مهاجرت نخبگان در فرهنگسرای اندیشه برگزار شد. در این جلسه محمدهادی منصوری، عضو تیم المپیاد سال ۱۳۸۰ و هیأت مدیره فولاد خراسان و احسان شریف پاقلعه، استادیار گروه ایمونولوژی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران به ایراد سخنرانی پرداختند.

احسان شریف عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران گفت: ۲۳ سال در انگلستان زندگی کردم و نزدیک به ۷-۸ سال است که در ایران زندگی می‌کنم. ۴ ساله بودم که به دلیل مهاجرت پدرم و همراه با خانواده به آنجا رفتیم. ۱۶ سالگی برای تحصیل در رشته ژنتیک و مقطع لیسانس وارد دانشگاه منچستر شدم. یک سال فوق لیسانس پزشکی مولکولی در دانشگاه شفیلد خواندم و ۴ سال دکتری را نیز در لندن پشت سر گذاشتم. فوق دکتری بنده با موضوع تصویربرداری سیستم دفاعی بدن است. در آنجا موقعیت هیئت علمی داشتم اما در ۲۶ سالگی به ایران برگشتم.

وی افزود: آن زمان طرح «کانکت» ایجاد نشده بود و برای هیأت علمی شدن مراحل بسیار سخت و متعددی را پشت سر گذاشتم. اکنون که مسیر طراحی شده در این طرح را می‌بینم می‌گویم که بسیار خوب است و روند کار را به خوبی تسریع کرده است.

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی دانشگاه تهران در بخش دیگری از صحبت‌های خود گفت: خاطرم هست قبل از بازگشت به ایران کار پژوهشی انجام می‌دادم که چرا درخواست برای اپلای صورت می‌گیرد؟ با خود فکر می‌کردم شاید به این دلیل است که سبک زندگی غربی را دوست دارند و امپراطوری رسانه‌ای غرب هم همین موضوع را از ایران منعکس می‌کند، اما وقتی به ایران آمدم دیدم این بازنمایی غلط است. درست است که رسانه و هالیوود خیلی تأثیر گذاشته و سبک زندگی‌ها را تغییر داده است اما کسانی که اپلای می‌کنند با هدف دیگری به خارج از ایران می‌روند.

وی ادامه داد: اکنون فکر می‌کنم که بچه‌های ما دنبال قله‌های علمی هستند و دلیل مهاجرت‌شان همین است. از سویی دیگر، رسانه خارجی به درست یا غلط، می‌گوید قله علمی آنجاست و بچه‌ها هم براساس جوزدگی تصمیم می‌گیرند. بگذارید مثالی بزنم؛ دانش‌آموزان ما در دوران مدرسه تلاش زیادی می‌کنند تا به بهترین دانشگاه‌های کشور برسند، اما زمانی که وارد دانشگاه می‌شوند بنابر دلایل متعدد انگیزه‌شان کم و کمتر می‌شود. مثلاً می‌بینید که هم‌کلاسی‌اش شب امتحان درس خواند و نمره گرفت و من در طول ترم درس خواندم و هیچ کس تمایزی بین ما دو نفر قائل نشد. اینجاست که آن انگیزه از بین می‌رود و دانشجوی ما به دنبال صدایی می‌رود که از سمت خارجی می‌آید.

این استاد دانشگاه با ذکر یک مثال صحبت‌های خود را ادامه داد و گفت: در دوران پسا دکتری روی دستگاه‌های تصویربرداری کار می‌کردم که واقعاً پیشرفته بود، چند وقت بعد به ایران آمدم و در دفتر یکی از اساتید با کاتالوگی روبه‌رو شدم که همین دستگاه را نشان می‌داد و دیدم که روی آن نوشته شده بود: «ساخت ایران». این دستگاه بسیار های‌تک است و توسط جمعی از اساتید دانشگاه علوم پزشکی تهران ساخته شده است. اکنون ایران پنجمین کشوری است که این تکنولوژی را در اختیار دارد.

منصوری دیگر سخنران این جلسه بود. وی گفت: قبل از اینکه بخواهیم دنبال عوامل بیرونی و جاذبه‌ها بگردیم باید به دنبال پاسخ این سوال برویم که چه عوامل داخلی باعث تصمیم به مهاجرت می‌شود؟ بدون شک برای هیچ کس، ترک وطن ساده نیست و هر کسی در هر موقعیتی تا زمانی که به استیصال نرسد حاضر نیست وطنش را ترک کند.

وی افزود: بنده سال ۱۳۸۰ در جمع ۹۰ نفر المپیاد کشوری حاضر بودم. در این جمع با هم قرار گذاشتیم که ۱۰ سال آینده یعنی سال ۱۳۹۰ دور هم جمع بشویم و ببینیم که هر کس به کجا رسیده است؟ من در بخش دولتی جذب و مشاور آقای مهندس علی‌آبادی در شهرداری شدم و بعداً همراه با ایشان به دولت رفتم. در نهایت در سال ۱۳۹۰ مدیرعامل سازمان شهرداری‌های استان فارس شدم. یک روز دیدم که فردی به پدرم زنگ زده و گفته بود که ما هم‌تیمی‌های تیم المپیادی‌اش هستیم و به من اطلاع دادند که ۱۴ مرداد ماه در فلان رستوران قرار گذاشته‌ایم.

وی ادامه داد: روزی که به رستوران رفتم، دیدم که از آن جمع، ۶۷ نفر مهاجرت کرده و برنگشته بودند. مابقی در ایران مانده بودند. ۵ نفر شاغل بودند و مابقی شغل ثابت هم نداشتند. آنجا بود که واقعاً غصه خوردم. به جرأت می‌گویم که سیستم حکمرانی نخبه‌پرور نیست، حتی نخبه‌نگه‌دار هم نیست. من سال ۱۳۹۱ از دولت بیرون آمدم. شاید بهتر باشد بگویم که فرار کردم. آن قدر فشار روی من بود که تصمیم گرفتم خودم را خلاص کنم.

عضو تیم المپیاد سال ۱۳۸۰ در بخش دیگری از صحبت‌های خود با نقل یک خاطره گفت: خاطرم هست آن روز ابتدایی در المپیاد که قرار بود هم اتاقی‌هایمان مشخص شود، قرعه کشی شد و من با آقای دکتر علی نیک آزمون از کاشان هم‌اتاقی شدم. در ساعاتی که با ایشان آشنا می‌شدم متوجه شدم که او با خود مقرر کرده است برای رسیدن به المپیاد جهانی، روزی ۴ ساعت بیشتر نخوابم. او در رتبه‌بندی هفته اول تنها A+ گروه بود و تبدیل به انگیزه‌ای برای من شد تا به جای حذف در ماه اول، تا آخرین هفته بمانم و بجنگم.

وی افزود: بعد از برگشت از المپیاد جهانی، دعوتنامه‌ای برای او از دانشگاه MIT آمد. با من مشورت کرد که چه کار کنم؟ به او گفتم: «امروز را به فردا نینداز» پاسخ داد: «اگر در کنار تحصیل، کمک خرجی به من بدهند، اینجا را ترک نمی‌کنم. به دلیل علقه به خانواده‌ام حاضرم کار نیمه وقت بکنم، اما در ایران درس بخوانم.» جز یک سهمیه در دانشگاه هیچ امکان دیگری در اختیارش نگذاشتند، در حالی که همه چیز برای رفتن او به آن دانشگاه آمریکایی فراهم بود.

منصوری خاطرنشان کرد: چند روز پیش بود که عکسی در فضای مجازی دست به دست می‌شد و نفرات برتر کنکور در سال ۱۳۸۰ را نشان می‌داد که اکنون در کجا هستند. هر ۳ نفر خارج از ایران‌اند. طبیعی است که اگر نتوانیم نخبه خود را جذب کنیم، به خارج از کشور می‌رود. در حقیقت، او را وادار می‌کنند که از ایران برود. ما در اینجا هیچ امکانی را برایشان فراهم نمی‌کنیم.

شریف در بخش پایانی این جلسه گفت: باید این سوال را بپرسیم که بچه‌ها را چگونه به مسیر درست هدایت کرده‌ایم. بهشان می‌گوئیم فقط درس بخوانید و تست بزنید اما مهارتی ندارند. اشاره شد که آن دانش‌آموز در هر شبانه‌روز فقط ۴ ساعت می‌خوابید. این کتاب با ۴۵۱ صفحه، شمارگان هزار نسخه و قیمت ۱۶۰ هزار تومان منتشر شده است.

عروسک‌های معلول، نایب الزیاره توان‌یابان در اربعین حسینی می‌شوند

مؤسسه خیریه بهشت امام رضا (ع) که مرکز نگهداری بیش از یک هزار نفر از ایتام، معلولین، کم توانان ذهنی و سالمندان بیمار رهاشده است، در راستای فرهنگ سازی در زمینه پذیرش تفاوت‌ها، تصمیم به تولید عروسک‌های دارای معلولیت گرفته، بدین امید که برای کودکان هم‌بازی‌های متفاوتی بسازد تا مسیر پذیرش این گروه از افراد نیز در جامعه هموار شود.

در نخستین قدم توسط مؤسسه بهشت امام رضا (ع) و خیرین مجموعه، تعداد ۱۰ هزار عروسک با طرح معلولیت، تولید و نایب الزیاره توان‌یابانی است که آرزوی سفر به کربلا را دارند اما به دلایل مختلفی همچون عدم مناسب سازی مسیر برای معولین، تمکن مالی و شرایط جسمانی قادر به حضور در این حماسه بزرگ را ندشته‌اند.

بر اساس برنامه ریزی و هماهنگی‌های انجام شده این عروسک‌ها قرار است تا در مرزهای مهران، شلمچه، چزابه و همچنین فرودگاه امام خمینی به کودکانی که عازم این سفر هستند، هدیه داده شده تا نایب الزیاره توان‌یابان در سفر عتبات عالیات بوده و سلام آنها را به پیشگاه سیدالشهدا (ع) برسانند.

خانواده عروسکی بهشت امام رضا (ع)، نخستین حضور خویش را با نام سیدالشهدا (ع) آغاز و در نظر دارد تا فعالیت‌های خویش را در مناسبت‌ها و فعالیت‌های مختلف فرهنگی اجتماعی ادامه دهد.

دوره کودکی روزگار مهمی است و بخش عمده‌ای از باورها، اعتقادات و در نهایت رفتارهای ما مربوط می‌شود به قصه‌هایی که در دوران کودکانی برای مان تعریف می‌کنند و یا اسباب بازی‌هایی که برای مان خریده اند و برای مان لالایی‌هایی خوانده اند. همه ما آنقدر خوشبخت بودیم که لالایی‌های دوران کودکی مان، روضه امام حسین (ع) بود و افتخار دوران جوانی مان سینه زنی و رؤیای زندگی مان قدم زدن در مسیر پیاده روی اربعین بود، اما حسرت ما وقت کوله بستن برای سفر اربعین، بغض دوستانی است که نمی‌توانند با ما هم قدم باشند. می‌دانید چرا؟ چون اسباب بازی‌های دوران کودکی همه ما، شبیه هم بود و آنقدر شبیه هم که متوجه تفاوت‌ها نشدیم. یاد نگرفتیم و نپذیرفتیم. برایش آماده نشدیم. برای همین هم مسیرها برای تفاوت‌ها مهیا نشده است و هم اکنون مجموعه بهشت امام رضا (ع) تصمیم گرفته است تا تعدادی عروسک طراحی و تولید کند تا با عروسک‌های دیگر متفاوت باشند و بتوانند قصه‌های دوران کودکی ما رو کامل کنند.

ترجمه گزارش واقعی از چندفقره قتل «در کمال خونسردی» چاپ شد

کتاب «در کمال خونسردی؛ گزارشی واقعی از چندفقره قتل و پیامدهای آن» نوشته ترومن کاپوتی به‌تازگی با ترجمه لیلا نصیری‌ها توسط نشر چشمه منتشر و راهی بازار نشر شده است. این کتاب یکی از عناوین مجموعه «ادبیات غیرداستانی» و دوازدهمین‌عنوان مجموعه «در واقع... مشاهدات» است که این‌ناشر چاپ می‌کند.

این‌ناشر پیش‌تر ترجمه دو کتاب «موسیقی برای آفتاب‌پرست‌ها» و «تابوت‌های دست‌ساز» را از این‌نویسنده چاپ کرده است. ترومن کاپوتی نویسنده آمریکایی متولد سال ۱۹۵۲ در نیواورلئان و درگذشته به‌سال ۱۹۸۴ است. او تا ۱۴ سالگی نوشتن داستان کوتاه را شروع کرد و برخی از داستان‌هایش را به چاپ رساند. در ۱۵ سالگی مدرسه را رها کرد و کمی بعد در نشریه نیویورکر مشغول به کار شد که این، اولین و آخرین شغل ثابت او بود. او دو سال را در یک‌مزرعه در لوییزیانا به سر برد و دو رمان «صداهای دیگر» و «اتاق‌های دیگر» را سال ۱۹۴۸ به چاپ رساند.«درخت شب و داستان‌های دیگر»، «آوای علفزار»، «صبحانه در تیفانی»، «در کمال خونسردی»، «موسیقی برای آفتاب‌پرست‌ها» و «دعاهای اجابت‌شده» ازجمله آثار مهم ترومن کاپوتی هستند. او در طول زندگی سفرهایی به یونان، ایتالیا، آفریقا و هندوستان داشت. در قسمتی از این کتاب می‌خوانیم:

شب چهارشنبه ۳۰ دسامبر، برای خانواده کارآگاه ای.ای. دویی شب خاطره‌انگیزی شد. بعدها، با یادآوری آن‌شب، همسرش گفت: «الوین داشت توی حمام آواز می‌خواند. رُز زرد تگزاس. بچه‌ها تلویزیون تماشا می‌کردند. من داشتم میز شام را آماده می‌کردم برای مهمانی. من اهل نیواورلئانم، عاشق آشپزی و پذیرایی‌ام و مادرم تازه برای‌مان یک جعبه آووکادو فرستاده بود و لوبیای چشم‌بلبلی و _ وای، یک عالم چیزهای دیگر. برای همین تصمیم گرفتم: سلف سرویس بچینم و چند نفری از دوستان‌مان را دعوت کنم _ خانواده ماری و کلیف و دُدی هوپ را. الوین نمی‌خواست، اما من تصمیمم را گرفته بودم. ای خدا! این پرونده می‌توانست تا ابد ادامه داشته باشد و از موقعی که شروع شده بود حتی یک دقیقه هم نتوانسته بود فراموشش کند. خب، من داشتم میز را می‌چیدم، بنابراین وقتی زنگ تلفن را شنیدم از یکی از پسرها خواستم جواب بدهد _ پُل. پل گفت پای تلفن بابا را می‌خواهند و من گفتم: «بگو حمام است.» اما پل گفت که فکر می‌کند بابا حتما باید برود پای تلفن، چون آقای سَنفورد از توپکا زنگ می‌زند. رئیس الوین. الوین، فقط با یک حوله دورش، گوشی تلفن را گرفت. این کارش خیلی عصبانی‌ام کرد _ همه‌جا را خیس کرد.

روایت یاد یار و دیار برای نوجوانان؛ کنار قدم‌های جابر

کتاب «یاد یار و دیار؛ تا کربلا همراه با جابربن‌عبدالله» نوشته حمید گروگان یکی از آثار کودک و نوجوان ادبیات عاشورایی است که توسط نوشین صفاخو تصویرگری شده و اولین نوبت چاپش سال ۱۳۹۲ توسط دفتر فرهنگ نشر اسلامی منتشر شد و سال ۹۶ هم به چاپ پنجم رسید.

داستان این‌کتاب مصور درباره زیارت اربعین است که برای اولین‌بار توسط جابر بن عبدالله انصاری انجام شد. جابر یار رسول خدا (ص) و فردی است که عمر طولانی پیدا کرد تا امام پنجم شیعیان را ملاقات کند. او موفق نشد در کربلا حضور پیدا کرده و همراه امام حسین (ع) به شهادت برسد. اما تبدیل به اولین زائری شد که در اربعین شهدای عاشورا خود را به کربلا رساند و با رسیدن به حضور امام سجاد (ع)، این‌شهیدان را زیارت کرد.

کتابی که حمید گروگان درباره جابر و زیارت اربعین نوشته، دربرگیرنده روایت خاطرات تلخ و شیرین زمان حیات پیامبر (ص)، حضرت زهرا (س)، امام علی (ع)، امام حسن (ع) و امام حسین (ع) است.

عنوان کتاب نیز ناظر بر این ابیات حافظ شیرازی است: «به یاد یار و دریار آنچنان بگریم زار / که از جهان ره و رسم سفر براندازم / من از دیار حبیبم نه از بلاد غریب / مُهَیمنا به رفیقان خود رسان بازم»

در ادامه ۳ برش از این‌کتاب را می‌خوانیم:

عطیه می‌ایستد و غلام دست بر شانه جابر می‌نهد:

– اینک این فرات و اینک این آب!

جابر است و یک دشت آه. جابر است و یک کوه، غصه جانکاه.

جابر هر دو زانو می‌خماند و دو کف دست و صورت بر خاک می‌نهد. دل یک‌سویه می‌کند. بی‌اشک، مویه می‌کند. گاه کمر راست می‌کند و می‌نشیند و صورت می‌چرخاند و باز بر خاک می‌افتد.

عطیه به تحیّر است و غلام به تحسر. عطیه در کنار جابر می‌نشیند و شانه‌های نحیف او را به لطف می‌نوازد:

– ... تا قبر حسین (ع) راهی نمانده است!

جابر، به خویش می‌آید و آرام برمی‌خیزد. به دستی، دست عطیه و به دستی، دست غلام را می‌گیرد و رو به سوی فرات می‌گرداند:

– ... به آن سو ببر مرا عطیه!

– چه در سر داری جابر؟

– می‌خواهم به زیارت حبیبم حسین (ع) بروم!

– ولی قبر حسین (ع) نه از آن سوست!

جابر، سر تکان می‌دهد. باز به سوی فرات، چهره می‌گرداند و بغض می‌کند و لب ور می‌چیند:

– ... می‌خواهم قبل از آنکه زائر آن خاک باشم، تن به آب بزنم، غسل زیارت کنم و پاک باشم!

عطیه اطاعت می‌کند. دست در دست جابر، تا نزدیکی شریعه‌ای پیش می‌رود و چند گام مانده به نیزار، می‌ایستد و خورجین جابر را بر زمین می‌گذارد:

– این تو و این فرات!

سه روز از اربعین گذشته است. صبح روز آخر است، وقت خداحافظی جابر است. اهل بیت را یک‌یک وداع می‌گوید و آنگاه که سر بر سینه و شانه سجاد (ع) می‌نهد، بوی بهشت به مشامش می‌رسد و مست می‌شود. مدهوشی را می‌ماند که از دم عیسی (ع) جان می‌گیرد و هست می‌شود.

– بدرود یابن رسول‌الله!

– بدرود جابر! برو خدا یارت... دست حق نگهدارت!

جابر، که محزون برمی‌گردد و آرام، گام پشت گام می‌نهد، صدای عطیه و غلامش را می‌شنود که می‌گریند و امام را بدرود می‌گویند.

حریر خاطره‌ای شیرین، دل و جان جابر را همچنان نوازش می‌دهد که روزی رسول خدا (ص) به او مژده داده بود که فرزندی از نسل حسین مرا خواهی دید. و جابر با خود می‌اندیشد: «از نسل حسین (ع)، همین علی‌بن‌الحسین (ع) باقی مانده است! کاش همه‌جا را می‌کاویدم و فرزندش را می‌یافتم. کاش سراغش را از امام می‌گرفتم و می‌گفتم: کو آن فرزند روشن ضمیرت؟ کجاست آن بدر منیرت؟»

عطیه می‌پرسد: «در چه حالی زائر؟»

غلام می‌پرسد: «در چه فکری، مولای من، جابر؟»

جابر می‌گوید: «در این فکرم که باز، کی به کربلا می آیم؟ نمی‌دانم باز، کی سر بر این آستان می‌سایم؟ نمی‌دانم کی محمدبن‌علی (ع) را می‌یابم؟»

و رو به عطیه می‌گوید: «گمان ندارم بعد از این سفر، بار دیگر در کوفه، تو را ببینم. و اما ای عطیه! خاندان محمد (ص) را دوست بدار که سزاوار دوستی‌اند، و با دشمنان‌شان دشمن باش که سزاوار دشمنی‌اند...»

جابر، لحظه‌ای می‌ایستد؛ آهی می‌کشد و زیر لب می‌گوید: «چند روزی در کوفه می‌مانم و بعد، راهی مدینه می‌شوم. دلم گواهی می‌دهد دیدارم با محمدبن‌علی (ع) در مدینه است.»

خورشید، تازه از مشرق نینوا، سر برآورده و با نگاه خمارش، همه دشت را می‌کاود.

رو سوی مدینه، کاروان حضرت سجاد (ع) است با جمعی از دختران و زنان سیاهپوش؛ و رو به کوفه، جابر است که همراه عطیه و غلام، آرام راه می‌سپرند و جز صدای پایشان بر رمل و ریگ بیابان صدایی نیست.

اخبار کوتاه

کمالوندی مشاور اجرایی معاونت امور فرهنگی وزارت ارشاد شد

یاسر احمدوند معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی طی حکمی امین کمالوندی را به عنوان مشاور اجرایی این‌معاونت منصوب کرد.

در بخشی از متن حکم احمدوند آمده است:

«با استعانت از خداوند متعال؛ نظر به توانمندی‌ها، شایستگی‌ها و سوابق مدیریتی جنابعالی در حوزه فرهنگ و روحیه و تعهد انقلابی به‌عنوان مشاور اجرایی معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منصوب می‌شوید.»

امین کمالوندی، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی است و در کارنامه خود فعالیت‌های متعددی در حوزه فرهنگ و هنر کشور داشته است. مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی در استان‌های لرستان و کهگیلویه و بویراحمد، مدیرکل کتابخانه‌های استان مرکزی و معاون پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات از سوابق کمالوندی است. وی در آخرین مسئولیت، معاون پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی بوده است.

رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به قزاقستان سفر می‌کند

حجت‌الاسلام والمسلمین محمد مهدی ایمانی‌پور، رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در رأس هیأتی از جمهوری اسلامی ایران متشکل از حجت‌الاسلام والمسلمین حمید شهریاری، دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، آیت الله احمد مبلغی، عضو مجلس خبرگان رهبری و زهرا رشید بیگی، رئیس گروه مسیحیت ارتدکس و پروتستان مرکز گفت‌وگوی ادیان و فرهنگ‌های سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به قزاقستان سفر می‌کند.

رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی ضمن حضور در کنگره رهبران ادیان جهانی و سنتی در روزهای (۲۲ تا ۲۴ شهریورماه)، به منظور هم افزایی و همبستگی و یافتن راهکار مناسب برای حل بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی با برخی نمایندگان ادیان و مذاهب مختلف دیدار می‌کند.

وی علاوه بر دیدارهای رسمی و بازدید از مراکز علمی و فرهنگی قزاقستان، با هماهنگی رایزنی فرهنگی کشورمان در خصوص توسعه روابط فرهنگی و اجرایی شدن توافقات و تفاهمات فرهنگی دو کشور با مقامات قزاقستان، تبادل نظر خواهد کرد.

شایان ذکر است، کنگره هفتم رهبران ادیان جهانی و سنتی، ۲۲ تا ۲۴ شهریورماه جاری با حضور پاپ فرانسیس، رهبر کاتولیک‌های جهان، احمد الطیب، شیخ الازهر مصر، کیریل، اسقف اعظم روسیه، ارباش، رئیس سازمان دیانت ترکیه و الله شکور پاشازاده، رئیس اداره مسلمانان قفقاز و سایر نمایندگان ادیان و مذاهب مختلف برگزار می‌شود.

در این‌اجلاس، بیش از ۱۳۰ رئیس هیأت از ۶۰ کشور جهان از جمله نمایندگانی از اسلام، مسیحیت، یهودیت، شینتوئیسم، بودایی، زرتشتی، هندوئیسم و سایر ادیان حضور خواهند داشت.

روایت کریستن‌سن از «داستان بزرجمهر حکیم» منتشر شد

انتشارات طهوری کتاب «داستان بزرجمهر حکیم» آرتور امانوئل کریستن سن را با ترجمه و توضیحات منیژه احدزادگان آهنی در ۱۲۰ صفحه و بهای ۸۵ هزار تومان منتشر کرده است. نخستین ترجمه از این کتاب را عبدالحسین خان میکده به سال ۱۳۱۳ شمسی به عنوان ضمیمه مجله مهر منتشر کرده بود.

کریستن‌سن که به سال ۱۹۴۵ درگذشت، از ایران‌شناسان و شرق‌شناسان برجسته غرب بود. وی آثار مهمی درباره ایران و تاریخ ایران بویژه تاریخ دوره ساسانیان دارد که تا پیش از او منابعی درباره این دوره از تاریخ ایران وجود نداشت. از جمله پژوهش‌های مشهور او می‌توان به «نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار» است که با ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی به فارسی منتشر شد.

از دیگر کتاب‌های او می‌توان به این موارد اشاره کرد که جملگی به فارسی نیز ترجمه و منتشر شده‌اند: «تاریخ سلطنت قباد و ظهور مزدک»، «وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان»، «ایران در زمان ساسانیان»، «مزداپرستی در ایران قدیم»، «کیانیان»، «کارنامه شاهان در روایات ایران باستان»، «رساله شعر درباری و دربارهای شعر»، «آفرینش زیانکار در اساطیر ایرانی»، «گویش گیلکی در رشت»، «بررسی انتقادی رباعیات خیام»، «فراسوی دریای خزر، سفرنامه کریستن سن به ایران و آسیای مرکزی»، «افسانه‌های ایرانیان»، «کاوه آهنگر و درفش کاویانی»، «گویش سمنان»، «شاعران و متفکران اسلامی» و...

آگهی مفقودی

برگ سبز و سند کمپانی سواری پژو پارس مدل ۱۴۰۱ به رنگ سفید به شماره انتظامی ۹۲ ایران ۵۶۵ ص ۵۲ و شماره موتور ۱۲۵لک۰۰۲۵۷۱۱ و شماره شاسی ۴۵۳۸۶۹ اچ ان۹ ایی۱۵ آ ان آ آ ان متعلق به بهاره محمدپور خاکی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

++

مفقودی

پلاکت تراکتور کشاورزی سیستم ITM تیپ ۲۸۵ مدل ۱۳۸۶ به رنگ قرمز شماره موتور LFW۱۵۶۴۸T و شماره شاسی F۰۹۰۳۵ به شماره پلاک ..... مدل ۱۳۸۶متعلق به قربانعلی میرشاهی فرزند غلامعلی به شماره ملی ۴۸۸۹۲۰۳۷۴۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

++

مجوز اسلحه شکاری دو لول کنار هم مدل کوسه کالیبر ۱۲ به شماره بدنه ۲۱۸۰۰۳۹۷ساخت ایران به نام بهرام نوروزی ترکاشوندی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

++

برگ سبز وسند یک دستگاه خودری سواری سمند ال ایکس به رنگ خاکستری – متالیک مدل ۱۳۸۶ به شماره موتور ۱۲۴۸۶۱۳۴۴۸۷ و شماره شاسی ۷۳۲۸۸۱۲۱ به شماره پلاک ۱۳- ۷۸۹ ق ۸۸ به نام مهران آل ناصر مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد .

++

برگ سبز وسند یک دستگاه خودری سواری سمند ال ایکس به رنگ خاکستری – متالیک مدل ۱۳۸۶ به شماره موتور ۱۲۴۸۶۱۳۴۴۸۷ و شماره شاسی ۷۳۲۸۸۱۲۱ به شماره پلاک ۱۳- ۷۸۹ ق ۸۸ به نام مهران آل ناصر مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد .

++

آگهی ابلاغ دادخواست ووقت رسیدگی

کلاسه پرونده: ۱۵۱/۶/۱۴۰۰ ح خواهان : عزیز بغلانی نژادی به نشانی : آبادان – فیه – لاله ۱۵ – پلاک ۶۲ خوانده : ۱- جلال رستمی ۲- امیر قاسمی مجهول المکان خواسته : مطالبه مبلغ ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال با احتساب کلیه خسارات قانونی وارده وخسارات تاخیر وتادیه از تاریخ پرداخت لغایت زمان اجرای حکم مرجع رسیدگی : شعبه ششم شورای حل اختلاف آبادان وقت رسیدگی : ۱۴۰۱/۰۷/۲۰ ساعت ۱۸:۰۰خواهان دادخواستی به خواسته فوق به طرفیت خوانده تقدیم این شعبه نموده اند که تحت کلاسه ۱۵۱/۶/۱۴۰۰ ح به ثبت رسیده و با رعایت اینکه خوانده مجهول المکان می باشد به استناد ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی آگهی ابلاغ دادخواست و ضمایم آن ووقت رسیدگی برای یک نوبت در روزنامه کثیر الانتشار آگهی می گردد خوانده می تواند قبل از تاریخ رسیدگی به شعبه مراجعه و اصل دادخواست و ضمایم آن را تحویل بگیرد .

رئیس شعبه ششم شورای حل اختلاف آبادان